

درس نهم: اغراق، ایهام و ایهام تناسب

- **اغراق:** هرگاه در بیان ویژگی و وصف چیزی، زیاده‌روی و بزرگ‌نمایی شود، در زبان ادبی به این کار «اغراق» می‌گویند. به بیان دیگر، اغراق و مبالغه ادعای وجود صفتی در کسی یا چیزی است به اندازه‌ای که حصول آن صفت در آن کس یا چیز بدان حد، محال یا بیش‌تر از حد معمول باشد.

آن فرومایه هزار من سنگ برمی‌دارد و طاقت یک حرف نمی‌آرد.

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران

کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

اگر برگ گل سوخ کنی پیرهنش را

از نازکی آزار رساند بدنش را

آرایه اغراق و مبالغه در متن‌های حماسی کاربرد فراوان دارد. شاعر به یاری اغراق، معنای بزرگ را خرد و معنای خرد را بزرگ جلوه می‌دهد و مناسب‌ترین اسباب برای تصویر یک دنیای حماسی است؛ بنابراین در شاهنامه بیش از هر اثر دیگری اغراق به کار رفته است؛ مانند نمونه‌های زیر:

شود کوه آهن چو دریای آب

اگر بشنود نام افراسیاب

که گفتت برو دست رستم ببند؟

نبندد مرا دست، چرخ بلند

رستم ادعا می‌کند که فلک هم نمی‌تواند دست او را ببندد.

ز سم ستوران در آن پهن دست

زمین شش شد و آسمان گشت هشت

یعنی بر اثر برخورد سم اسبان با زمین یکی از طبقات هفتگانه زمین کنده شد و به آسمان رفت. در نتیجه، زمین شش طبقه شد و آسمان هشت طبقه گشت!

- **ایهام:** هرگاه در عبارت یا بیتی، یک کلمه به چند معنا به کار رود، آرایه ایهام پدید می‌آید. ایهام از ریشه «وهم» و به معنای «به تردید و گمان افکندن» است.

ایهام در اصطلاح، آوردن واژه در شعر و نثر با حداقل دو معنی است که یکی نزدیک به ذهن و دیگری دور از ذهن باشد؛ به طوری که شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل شود. مقصود شاعر یا نویسنده معمولاً معنی دور و گاه هر دو معنی است، به این سبب ذهن بر سر دو راهی قرار می‌گیرد و نمی‌تواند در یک لحظه یکی از دو معنی را انتخاب کند، بنابراین خواننده به گمان می‌افتد. بنابراین هر گاه واژه به گونه‌ای در شعر یا نثر به کار رود که هر دو معنا از آن قابل برداشت و در کلام حضور داشته باشد، به آن آرایه ایهام می‌گویند.

فرق بین کنایه و ایهام در این است که در کنایه هر دو معنی دور و نزدیک مراد نیست؛ بلکه مقصود اصلی گوینده، معنی دور است و معنی نزدیک، نردبان ذهن او برای رسیدن به مقصود اصلی گوینده است؛ اما در ایهام هر دو معنی دور و نزدیک مراد است.

باغبان همیشه **نگران** پرپرشدن غنچه‌هاست ← ۱. پریشان ۲. نظاره‌گر

گفتم که بوی زلفت گمراه عالمم کرد

گفتا اگر بدانی هم اوت رهبر آید

به خوابگاه عدم گر هزار سال بخشیم

به خواب عافیت آن گه به بوی موی تو باشم

۱. رایحه ۲. امید و آرزو

گفتم: غم تو دارم، گفتا: غمت سر آید

گفتم که: ماه من شو، گفتا: اگر بر آید

۱. طلوع کند ۲. امکان پذیر باشد

دی می شد و گفتم: صنما، عهد به جای آر

گفتا: غلطی خواجه، در این عهد وفا نیست

۱. پیمان ۲. روزگار

خانه زندان است و تنهایی ضلال

هر که چون سعدی گلستانیش نیست

۱. باغ و گلزار ۲. کتاب گلستان

به راستی که نه همبازی تو بودم من

تو شوخ دیده مگس (مگس بی شرم) بین که می کند بازی

۱. بازی کردن ۲. ادای باز شکاری در آوردن

- **ایهام تناسب:** ایهام تناسب آوردن واژه‌ای با حداقل دو معنی است که یک معنی آن مورد نظر و پذیرفتنی است و معنی دیگر نیز با

بعضی از اجزای کلام، تناسب (مراعات نظیر) دارد. به عبارت دیگر، ایهام تناسب آوردن واژه‌ای با حداقل دو معنی است که الفاظ جمله

در آن معنی که مراد گوینده است با یکدیگر متناسب نباشد؛ اما در معنی دیگر تناسب داشته باشد؛ مثلاً لفظ مشتری در بیت زیر به معنی

خریدار است؛ اما به اعتبار این که نام یکی از سیارگان است با مهر، ماه و زهره تناسب دارد.

هندو به پیش خال تو باشد به چاکری

مهر رخ تراست مه و زهره، مشتری

چون شبنم اوفتاده بدم پیش آفتاب

مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

۱. عشق و دوستی و محبت ۲. خورشید

تفاوت ایهام تناسب با ایهام

تفاوت ایهام تناسب با ایهام در این است که در ایهام هر دو معنی دور و نزدیک مراد و پذیرفتنی است؛ ولی در ایهام تناسب یک معنی

آن قطعاً پذیرفتنی و درست است و معنی دیگر با بعضی از اجزای کلام، تناسب (مراعات نظیر) دارد.

چنان سایه گسترده بر عالمی

که زالی نیندیشد از رستمی

زال در اینجا به معنی پیرزن سپیدموی است؛ اما چون نام پدر رستم نیز زال است، پس با واژه رستم مراعات نظیر می‌سازد. بنابراین، آن را

ایهام تناسب می‌نامند.

درس دهم: سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی

حفظی است، لطفا خودتان بخوانید